

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

۱۴۸۳ھ

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

هر کز بجنورد

گروه: زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی و طبقه‌بندی موضوعی

فضایل و ردایل اخلاقی در متنوی معنوی مولوی

(دفتر پنجم و ششم)

استاد راهنمای:

دکتر جلیل مسعودی فرد

استاد مشاور:

دکتر حسن بساک

دانشگاه پیام نور
تهریه کننده

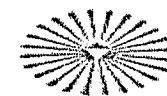
نگارش:

معضوه خجسته

مرداد ۸۸

«بسمه تعالیٰ»

پیوست ج (تصویب پایان نامه)



دانشگاه پیام نور

((تصویب پایان نامه))

پایان نامه تحت عنوان : «بررسی و طبقه بندی موضوعی فضایل و رذائل اخلاقی دشمنی (تفسیر جم و ششم)»

که در مرکز بجنورد تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد .

درجه ارزشیابی : کاری تاریخ دفاع : ۸۸/۵/۱۳ نمره : ۱۸

اعضای هیات داوران :

ردیف	نام و نام خانوادگی	استاد راهنما	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱	آقای دکتر جلیل مسعودی فرد	استاد مشاور	استاد راهنما	استادیار	
۲	آقای دکتر حسن بساک	استاد مشاور	استاد ممتحن (داور)	استادیار	
۳	آقای دکتر محمد ریحانی	استاد ممتحن (داور)	استاد راهنما	استادیار	
۴	آقای دکتر ناصرقلی سارلی	نماینده گروه علمی	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	
۵	آقای صادق شکیبایی	نماینده تحصیلات تکمیلی	نماینده گروه علمی	استادیار	

تاریخ :

شماره :

پیوست :

« بسمه تعالیٰ »

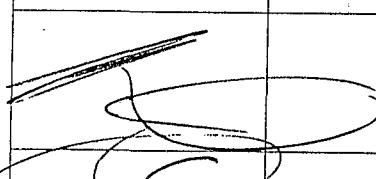
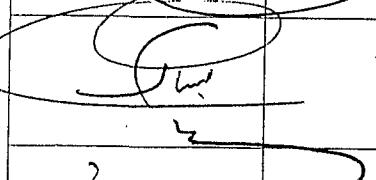
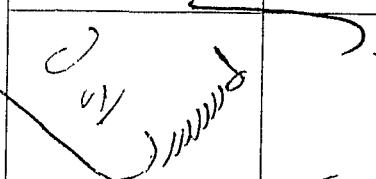
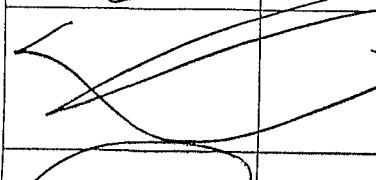
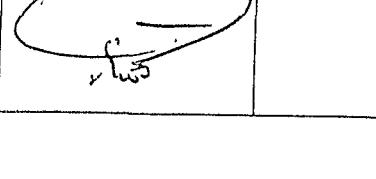
« صور تحلیله دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد « مخصوصه خجسته » دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی

با موضوع : " بررسی و طبقه‌بندی موضوعی فضایل و روزایل اخلاقی در مشوی (ترجمه و ششم) "

با حضور اساتید نامبرده ذیل در روز سه شنبه ۱۳/۵/۸۸ ساعت در محل ساختمان آموزش برگزار شد
و پس از بررسی پایان نامه مذکور با نمره (به عدد) ۱۸...۵... (به حروف هیجدهم بر پنجم)
و با درجه عالی مورد قبول واقع شد .

اعضاي هيات داوران :

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱	آقای دکتر جلیل مسعودی فرد	استاد راهنمای	استادیار	
۲	آقای دکتر حسن بساک	استاد مشاور	استادیار	
۳	آقای دکتر محمد ریحانی	استاد ممتحن (داور)	استادیار	
۴	آقای دکتر ناصرقلی سارلی	نماینده گروه علمی	استادیار	
۵	آقای صادق شکیبایی	نماینده تحصیلات تكمیلی		

قدردانی و سپاس

خدای بزرگ را بسیار سپاسگزارم که توفيق ویژه اش را نصیب این بنده ساخت تا بتوانم این پایان نامه را به انجام رسانم.

همچنین بر خود لازم می دانم از همه عزیزانی که در به انجام رسیدن این تحقیق مرا یاری نمودند
صمیمانه سپاسگزاری نمایم:

دکتر جلیل مسعودی فرد ، استاد بزرگوارم که مسئولیت راهنمایی بنده را در تهیه این پایان نامه بر
عهده داشتند.

دکتر حسن بساک به پاس رهنمودهای ارزشمندان.

استادان بزرگوارم ، جناب دکتر ریحانی ، دکتر رحیمی و دکتر قره گوزلو که علم و دانش ، روش و
بینش و منش به من آموختند.

همسر گرامی ام که همواره ، همراه و پشتیبان من بود.

و از تمامی دوستانی که در طی انجام تحقیق راهنمایی ام نمودند.

چکیده

بررسی و طبقه بندی موضوعی
فضایل و رذایل اخلاقی در مثنوی معنوی مولوی
(دفتر پنجم و ششم)

اگر با دید اخلاقی به کتاب پُر ارجِ مثنوی بنگریم ، خواهیم دید که مولانا سخنان با ارزشی در خصوص مسایل اخلاقی در جای جایِ مثنوی در میان حکایات گنجانده است که می تواند برای جامعه انسانی امروز که دچار بحران بی هويتی و انحطاط اخلاقی شده است مفید باشد.

پس از مطالعه در دفتر پنجم و ششم مثنوی ابیاتی که مضمون اخلاقی مشترک داشتند بر دو بخش اصلی فضایل و رذایل اخلاقی تقسیم شد و اگر شرح و توضیحی بر این ابیات و صفات نیاز بود ، نوشته شد در این تقسیم بندی ابیات بر مبنای عنوان بندی الفبایی صورت گرفته - است.

بنده با تأمل و بررسی در شرح های مشهوری که از مثنوی مولوی وجود دارد ، ابیاتی را که مضمون اخلاقی داشتند آورده ام و اگر در بیت به آیه و حدیث و یا روایتی اشاره شده بود ، آن را بیان نمودم.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : پیشگفتار

۱. مروری بر تحقیقات گذشته

۳

۲. روش کار و تحقیق

۴

فصل دوم : کلیات

۱. تعریف اخلاق

۶

۲. تعریف فضایل اخلاقی

۷

۳. تعریف رذایل اخلاقی

۷

۴. دسته بندی مسایل اخلاقی

۸

۵. نسبی بودن اخلاق در اسلام

۸

۶. مقایسه اخلاق و عرفان در یک نگاه

۸

عنوان

صفحه

٩	٧. عرفان در مثنوی و رابطه آن با اخلاق
١٠	٨. لزوم خودشناسی در مثنوی و رابطه آن با اخلاق
١٠	٩. نگاهی کلی به چند حکایت از دفتر پنجم و ششم مثنوی
١٥	١٠. تقسیم بندی فضایل اخلاقی در مثنوی
١٦	١١. تقسیم بندی رذایل اخلاقی در مثنوی

فصل سوم : مصاديق فضایل اخلاقی در مثنوی (دفتر پنجم و ششم)

١٨	١. آرامش
١٩	٢. آشتی و صلح و سازش
٢٠	٣. احسان بندگان
٢٣	٤. اخلاق
٢٤	٥. ادب و نزاکت اخلاقی
٢٤	٦. استماع شایسته (حسن استماع)
٢٧	٧. اطاعت پذیری
٢٩	٨. امانتداری
٣٣	٩. امساك پسندیده (برهيز از شکمبارگي)
٣٤	١٠. اميدواري

عنوان	صفحه
۱۱. پاکی و پاکیزگی	۳۶
۱۲. تقوی و پرهیزگاری	۳۹
۱۳. تواضع و فروتنی	۴۱
۱۴. توکل	۴۲
۱۵. حسن خلق	۴۵
۱۶. حمایت از مظلوم و ترحم بر ضعیفان	۴۷
۱۷. خاموشی زبان.	۴۸
۱۸. خدمت به دیگران	۵۲
۱۹. خشم پستنیله	۵۴
۲۰. راز نگهداری	۵۵
۲۱. راستی ، صداقت ، درستی	۵۷
۲۲. رواداری و ناروایی بر خود و دیگران	۶۰
۲۳. ساده زیستی و فقر معنوی	۶۰
۲۴. سلام کردن	۶۳
۲۵. شجاعت و جوانمردی و مردانگی	۶۴

عنوان	صفحه
۲۶. شکر و سپاس ، ثنا و ستایش	۶۵
۲۷. شیرین سخنی	۶۸
۲۸. صبر و شکیبایی و مقاومت	۶۹
۲۹. صبر و شکیبایی و مقاومت	۶۹
۳۰. عاقبت بینی و آینده نگری	۷۴
۳۱. عدل و داد	۷۶
۳۲. عبرت گیری	۷۸
۳۳. عذر خواهی ، توبه	۷۹
۳۴. عفو و گذشت	۸۲
۳۵. عیادت از بیمار	۸۴
۳۶. عیب پوشی	۸۴
۳۷. فرو خوردن خشم یا کظم غیظ	۸۶
۳۸. قناعت	۸۷
۳۹. گریه و زاری و تضرع	۸۸
۴۰. مراعات حقوق دیگران	۹۳
۴۱. مشورت	۹۴

عنوان

صفحه

۹۶

۴۲. معاشرت نیکو

۱۰۰

۴۳. مهرو محبت

۱۰۵

۴۴. مهمان نوازی

۱۰۷

۴۵. میانه روی در رفتار

۱۰۷

۴۶. وحدت و اتحاد و همگرایی

۱۰۸

۴۷. هدیه دادن و ارمغان اوردن

۱۰۹

۴۸. همت بلند داشتن

فصل چهارم : مصادیق رذایل اخلاقی در مشنوی (دفتر پنجم و ششم)

۱۱۳

۱. اسراف

۱۱۳

۲. بخل

۱۱۴

۳. بدخلقی

۱۱۶

۴. بدگمانی ، بدبینی و سوء ظن

۱۱۷

۵. بدگویی و هجو

۱۱۸

۶. بعض و حقد و کینه و دشمنی و قهر

۱۲۰

۷. بی ادبی ، گستاخی و پررویی

۱۲۱

۸. بی وفایی و نقض پیمان

عنوان

صفحه

۱۲۲	۹. پند ناپذیری
۱۲۳	۱۰. تجسس در احوال دیگران
۱۲۴	۱۱. تحقیر کردن و نگاه حقارت آمیز
۱۲۴	۱۲. ترس
۱۲۵	۱۳. تشریوی و اخْم
۱۲۶	۱۴. تمسخر و بی احترامی
۱۲۷	۱۵. تبلی و سستی
۱۲۸	۱۶. تهمت زدن
۱۲۸	۱۷. چاپلوسی و تملق
۱۲۹	۱۸. حرص و طمع و آر
۱۳۲	۱۹. حسادت
۱۳۴	۲۰. خشم منفی
۱۳۶	۲۱. خیانت
۱۳۶	۲۲. دروغ
۱۳۸	۲۳. دزدی
۱۳۹	۲۴. رشوه خواری

عنوان

صفحه

٢٥. ریا و تزویر ١٣٩
٢٦. زنا ١٤٠
٢٧. سخن چینی ١٤٠
٢٨. سرکشی و عصيان و نافرمانی ١٤١
٢٩. شکمبارگی و پُرخوری ١٤١
٣٠. شهرت طلبی و منصب زدگی ١٤٣
٣١. شهوت و شهوترانی ١٤٥
٣٢. ظاهر گرایی ١٤٨
٣٣. ظلم و جور ١٥٠
٣٤. عیب جویی و سرزنش ١٥٢
٣٥. غفلت ١٥٢
٣٦. غیبت ١٥٤
٣٧. فحش و بددهنه ١٥٥
٣٨. قساوت و سنگدلی ١٥٦
٣٩. کبر و غرور و خودپسندی و خودبزرگ بینی ١٥٦
٤٠. لهو و لعب ١٦٠

عنوان

صفحه

۱۶۱	۴۱. مال دوستی
۱۶۲	۴۲. مکر و حیله و حقه بازی
۱۶۵	۴۳. نا امیدی
۱۶۶	۴۴. نادانی
۱۶۸	۴۵. ناسپاسی و کفر
۱۶۹	۴۶. نفاق و دوربینی
۱۷۰	۴۷. همت پست داشتن و فرومایگی
۱۷۲	نتیجه گیری
۱۷۴	منابع و مأخذ

فصل اول:

پیشگفتار

انسان همواره با انبویی از گزینه های رفتاری روپرداخت که تنها می تواند تعداد محدودی از آنها را برگزیند: چشم خود را به بعضی از دیدنیها بدوزد ، گوش به بعضی از شنیدنی ها فرا دهد و دست و پا و سایر اندامهای خود را برای انجام بعضی از امور بکار گیرد. بنابر این ارزشگذاری رفتارها نیاز به شناخت معیارها و ملکهای ارزشی و اخلاقی دارد.

«بی شک نظام ارزشهای الهی که در تعالی وحیانی انبیاء عظام تبلور یافته و در منابع اصیل اسلامی تجلی کرده ، تنها عامل هویت بخش و سعادت آفرین انسان است که لطف و فضل بیکران الهی در دسترس بشر قرار داده است و با مراجعه به قرآن و سنت می توان از آنها به خوبی بهره مند شد.» (اصلاح، ۱۳۸۶: ۱۱)

از سوی دیگر خداوند در قرآن کریم می فرماید: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** (البته برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است). (قرآن: ۲۱/۳۳)

«کوشش انبیاء و تلاش ایشان در تمامی قرنها تربیت انسان بوده است، این موجود که عصارة همه مخلوقات است و با اصلاح او عالم اصلاح می شود، و با فساد او به فساد کشیده می شود. کوشش انبیاء از اول تا آخر این بوده است که این موجود را به صراط مستقیم دعوت کنند و راه ببرند.» (محدثی، ۱۳۸۶: ۱۳)

پیامبر گرامی اسلام با تأکید بر این مسئله می فرماید « همانا من برای تتمیم و تکمیل خوبی و رفتارهای ستوده و ارزشمند به پیامبری مبعوث شده‌ام.» (همان)

« همچنین توجه انسان به اخلاق و تأثیر اخلاق در همه ابعاد زندگی انسان به مرور باعث ارایه نظامهای اخلاقی از سوی مکاتب مختلف گردیده است . نظام اخلاقی اسلام را با جهت گیری قوی اخلاقی پیامبر عظیم الشأن آنجا که فرمود: **إِنِّي بَعَثْتُ لَأَتَّمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ**.» می توان از کامل ترین نظامهای اخلاقی موجود دانست .» (نجارزادگان ، ۱۳۸۶: ۵)

با توجه به ذکر بعضی از مصاديق عمل صالح در قرآن کریم معلوم می شود فضیلتهای اخلاقی جزء عمل صالح به شمار می آید . صبر، سخاوت، عفت و عدالت همگی فضیلت اخلاقی اند که قرآن کریم از آنها به عنوان عمل صالح یاد می کند.

«پس رشد اخلاقی انسان که به عنوان هدف بعثت پیامبر گرامی اسلام ذکر شده است برای فراهم کردن و نجات آدمی و رهانیدن او از رخوت و رکودی که مقتضای طبع حیوانی انسان است.» (محمدی ، ۱۳۸۶ : ۱۳)

همچنین اندیشه وران اسلامی که با قرآن و احادیث انس فراوان دارند علاوه بر شرح و تفسیر مضامین اخلاقی و تبیین مبانی آموزه‌های اخلاقی اسلامی دست زده و آثار گرانبهایی به یادگار گذاشته‌اند: از جمله مجموعه‌های غنی و متنوع مانند آمالی، چهل حدیث یا اربعین . و نیز آثاری از عارفان مسلمان با تلفیق مضامین عرفانی و اخلاقی در قالب آداب سیر و سلوک ذر اختیار ما قرار داده‌اند که علاوه بر شناسایی فضیلت‌های اخلاقی ، راهکارهای لازم برای تحصیل آنها را بیان می دارند. (محمدی ۱۳۸۶ : ۱۴)

مثنوی معنوی مولانا جلال الدین از جمله کتابهای تعلیمی در طریق عرفان و ادب و اخلاق است.

استاد فروزانفر در مقاله‌اش ذر شرح مثنوی شریف از آن به عنوان «کتاب آسمانی» یاد می‌کند. او می‌گوید «مثنوی از حیث نظم و ترتیب ، اسلوبی همانند قرآن کریم دارد.» (فروزانفر، ۱۳۷۹: یک و دو)

۱. مروری بر تحقیقات گذشته

درباره مثنوی معنوی این اثر عظیم مولوی ، سخنان بسیار گفته شده و شرح تفسیرهای فراوانی نوشته شده است . اما در این آثار کمتر به مسایل اخلاقی و مصاديق فضایل و رذایل اخلاقی پرداخته شده است.

از جمله آثاری که به مسایل اخلاقی مولوی توجه داشته‌اند عبارتند از:

۱. مرأء المثنوي، تاليف قاضي تلمذ حسين. در این اثر ، در فصلی با نام «ذرر الحِكَم» به مواضع ، حکم ، معارف ، اخلاق به شکل محدودی پرداخته شده اما بسیاری از مسایل اخلاقی در مثنوی بیان نشده است.
 ۲. لب لباب مثنوی ، تاليف ملا حسين واعظ کاشفی ، در قرن نهم، که مؤلف آن فقط در یک بخش آن بیتهايی را که درباره‌ی اخلاق است ، از شش دفتر مثنوی آورده است .
 ۳. مولوی نامه ، تاليف جلال الدین همایی وی در این اثر در مقالت اول به صورت بسیار محدود به افکار و عقاید مولوی در آداب و رسوم اخلاقی و اجتماعی پرداخته است.
- بنابراین اگرچه درباره اخلاق در مثنوی ، آثاری نوشته شده اما به صورت وسیع کاری انجام نشده است.

۲. روش کار و تحقیق

بر اساس آنچه گفته شد، با مطالعه دفاتر پنجم و ششم مثنوی و جستجو در ایيات آن ، ابیاتی را که در آنها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به فضایل و رذایل اخلاقی اشاره شده بود یادداشت نموده و سپس آن ایيات را دو بخش فضیلت‌ها و رذایل‌های اخلاقی قرار دادم . تقسیم بنده و ترتیب این ایيات در عنوانین اصلی به ترتیب حروف الفبای زبان فارسی صورت گرفته است و اگر هریک از این صفات نیاز به تعریف و توضیح داشت ، در ان خصوص توضیح مختصری داده‌ام . لازم به ذکر است که صفاتی که معنایی نزدیک به هم دارند ، در یک عنوان کلی قرار داده شده‌اند.

چون برخی از ایيات مثنوی بیش از یک مفهوم اخلاقی را بیان می‌کردند به همین دلیل در ذیل هر عنوان اصلی اخلاقی ، ایيات به صورت مجزا گنجانده شدند.

در ارجاع ایيات شماره ایيات داخل کمانک در سطر زیرین قرار گرفته است . در داخل کمانک عدد سمت راست خط مورب ، شماره دفتر مثنوی و عدد سمت چپ خط مورب ، شماره بیت است . خط فاصله(—) توالی ایيات از شماره راست به چپ است ، در صورتی که بین ایيات ذکر شده ، تناوب وجود داشته باشد و یا ایيات منتخب از دو دفتر جداگانه باشد ، ارجاع بین ، شماره ایيات از حروف عطف (و) استفاده شده است.

در ارجاع به آیات قرآن ، در داخل کمانک پس از واژه قرآن ، سمت راست خط مورب ، شماره سوره و سمت چپ خط مورب ، شماره یا شماره‌های آیات آمده است.

در پایان ، به رغم این همه ، به صراحت می‌گوییم که این تحقیق به دلیل بضاعت علمی اندک بنده و نیز به دلیل گستردگی موضوعات آن ، کمبودها و ضعف‌هایی دارد که از این بابت از تمامی خوانندگان عذرخواهی می‌نمایم.

فصل دوم: کلیات

۱. تعریف اخلاق

اخلاق در لغت جمع خُلُق و خُلُق از ماده «خ ل ق» به معنای سجايا و منشاهی پايدار درونی «اعم از خوب يا بد» است. خُلُق چهره و شاكله درونی انسان است که با اختيار او شکل می گيرد و ساخته می شود. (نجاززادگان، ۱۳۸۶: ۱۹). به نقل از راغب اصفهاني، مفردات الفاظ القرآن، ماده «خ ل ق»)

خواجه نصیرالدين توسي درباره خلق می گويد «خلق ملکه ای بود که نفس را مقتضی سهولت ضدور فعلی بود از او، بی احتیاج تفکری و رویتی.» (توسي، بی تا: ۶۴) به عبارت دیگر «خلق عبارت از حالتی است در نفس که انسان را دعوت به عمل می کند بدون آنديشه و فکر.» (امام خميني، ۱۳۷۹: ۵۱۰)

اخلاق در اصطلاح اندیشه و روان اسلامی عبارت است از «صفات و ویژگی های پايدار در نفس که موجب می شوند کارهای متناسب با آن صفات به طور خود جوش و بدون نیاز به فکر و تأمل از انسان صادر شود.» (شريفي، ۱۳۷۸: ۲۵۶)

همچنین در تعریف دیگری می توان گفت: «اخلاق به تمام صفات نفساني اطلاق می شود که منشأ کارهای پسندیده است.» و «گاه نیز واژه اخلاق تنها در مورد صفات و افعال نیک به کار می رود و مثلاً گفته می شود فلان کار اخلاقی (خوب) و یا غیر اخلاقی (بد) است.» (مصباح، ۱۳۸۶: ۱۶)

از اخلاق تعاريف متعدد و متنوعی در دست است که به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم: غزالی در تعریف اخلاق می گوید: «حالتی است راسخ و مؤثر در روان انسان که در سایه آن بدون اندیشه و تأمل ، افعال و رفتار از بشر ظاهر می شود.» (قائمه، ۱۳۷۵: ۳۱)

هگل از فلاسفه غرب می گوید: «اخلاق عبارت است از پیروی و اطاعت قوانین و اخلاقی کسی است که درست مطیع قانون باشد و مقرراتش را عملاً به کار بندد.» (همان)